

برنامه ی کشوری برای بازسازی بهداشت و طرح خانواده در پرو- عقیم سازی زنان

در پشت اسامی زیبای طرح ها و برنامه های دولتی به ویژه در مناطقی که فساد نهادینه شده و کل طبقه ی حاکم را شامل است حقایق وحشتناک و تلخی وجود دارد. به نام حمایت، جنایت می شود. به نام دفاع و حراست، کشتار و قطع نسل می شود و به نام توده ها و مردم، همان توده ها و مردم به قربانگاه فرستاده می شوند. در این فعل و انفعالات زنان به دلیل تبعیض جنسیتی و مردسالاری سیستمی حاکم در خط اول برای حمله قرار دارند. جنسیت شان ابزار سرکوب شان می شود. برای شان تصمیم گرفته می شود. برضد شان قانون تصویب می شود. ندیده گرفته می شوند. مبارزاتشان مخدوش نشان داده می شود. به آن ها فرصت استفاده از امکانات و شانس ها داده نمی شود. به همین دلیل فرصت کسب آگاهی برای شان محدود می شود و مورد سوء استفاده سیاسی قرار گرفته می شوند. در برنامه بازسازی بهداشت و طرح خانواده در پرو این روند را به خوبی مشاهده می کنیم.

در فاصله سال های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۰ یعنی در فاصله ی پنج سال، به خاطر برنامه های خانواده ی دولت فوجی موری در پرو، ۳۱۴/۶۰۵ زن به طور اجباری عقیم شدند تا جلوی رشد جمعیت گرفته شود. حتی بعد از فرار فوجی موری، باز هم در سال ۲۰۰۲ پارلمان به طور سیستماتیک این سیاست را مورد حمایت قرار داد و از زنان خواست برای جراحی داوطلب شوند. در آن سال ها هرزنی که بیش از پنج فرزند داشت دستگیر می شد و به زندان می افتاد یا جریمه نقدی می شد. ماموران بهداشت به طور مکرر به خانه زنان پرآوآد مراجعه می کردند تا آن ها را مجبور به عقیم سازی کنند. این سیاست بیش تر زنان بومی و زنان فقیر را شامل شده است. تا کنون بیش از ۱۰۰ هزار شاهدهی که در شمول این سیاست قرار داشتند علیه او شکایت کرده یا از شکایت دیگران حمایت کرده اند. تعداد شکایات ۲۰۷۴ ، اما به طور رسمی صحبت از ۸۰۰۰ مورد است. کمیته ی حمایت از حقوق زنان در آمریکای لاتین و کاربیک معتقد است، که تعداد ۳۱۴/۶۰۵ تنها ۱۰٪ زنان عقیم شده می شود. بقیه زنان را ترسانند و مساله شکایات با کوشش های از بالا مسکوت گذاشته شد و سعی شد موضوع را خاتمه یافته اعلام کنند. اما چگونه مساله به اذهان عمومی کشانده شد: در ۲۷ مارس ۱۹۹۸ زنی به نام ماریتا که برای معاینات به مرکز خانواده مراجعه کرده بود به زور مورد جراحی برای عقیم سازی قرار گرفت و بلافاصله بعد از عمل او را مرخص کردند تا به خانه برود. ماریتا ۸ روز بعد از جراحی در اثر عفونت ناشی از جراحی مرد در حالی که به او برای درمان کمکی داده نشد. شوهرش شکایت کرد. در ۲۰۰۰ سال فوجی موری از کشور گریخت و سیل شکایات علیه او به جریان افتاد تا بالاخره در سال ۲۰۰۲ دولت پرو مسئولیت مرک ماریتا را پذیرفت و دستور رسیدگی همه جانبه به شکایات را داد، تا به فرزندان قربانیان تاوان پرداخت شود. اکنون ۱۸ سال است که پرونده عقیم سازی اجباری زنان در جریان است و در حالی که بیش از صد پرونده شده است،

بارها به جریان افتاده و خوابیده است. می گویند دلیلی در دست نیست که رئیس جمهور سابق فوجی موری از آن چه در جریان بود خبر داشته است و می دانست که چه روش هایی توسط پرسنل بهداشت به کار برده می شده است (یاد پرونده خودم افتادم که دچار این جریان شده بود. یک بار به دوستی که به دنبال پرونده می رفت گفتند مسئول پرونده به بندرعباس منتقل شده و به همین دلیل پرونده بایگانی شده است. ماه ها بعد دوباره پرونده بایگانی شد و دلیلش را مردن مسئول جدید پرونده اعلام کردند گویی مساله نه موضوع مورد شکایت، بلکه افراد مسئول پرونده بودند). اما مرتب به شاهدان افزوده می شود و انجمن های قربانیان این سیاست، بر دولت فشار می آورند. در سال ۲۰۱۶ کاندیدای ریاست جمهوری پدرو پابلو کوچینسکی به سوء استفاده سیاسی از درد و رنج مردم آسیب دیده می پردازد؛ چیزی که بارها و بارها در سراسر جهان رخ می دهد و متأسفانه باز هم به ویژه توده های مردم کارگر و زحمتکش به دلیل ناآگاهی به دام آن می افتند و برای پرکردن صندوق های رای فریب داده می شوند. پابلو کوچینسکی قول می دهد که اگر انتخاب شود، پرونده ها را برای اجرای عدالت به سرعت به جریان می اندازد. بسیاری از خانواده های قربانیان با امید به انجام آن، به او رای دادند. اما او از حق خود به عنوان رئیس جمهور استفاده کرد و در ۲۴ دسامبر ۲۰۱۷ فوجی موری را مورد عفو ملوکانه قرار داد. پرونده ها در دادگاه های منطقه ای و استانی و کشوری، به دلیل فساد مالی شاغلان خاک می خورد. وکلا هم به دلیل این که در جانب قربانیان پول چندانی نیست به آن روی خوش نشان نمی دهند. پرونده ها تنها در لیما در جریان است و رفت و برگشت از لیما برای توده های مردم فقیر مخارج بالایی دارد و هر بار باید ۶ ساعت در راه باشند. دولت هم به آن ها کمکی نمی کند و هنوز هم ابزارهای عقیم سازی توسط بانک جهانی و آژانس بین المللی برای توسعه ایالات متحده آمریکا USAID برای دولت پرو فرستاده می شود تا جلوی رشد جمعیت بومیان فقرا گرفته شود که بعدها با مهاجرت به آمریکا مشکلی برای شان ایجاد نکنند. در آغاز سازمان بین المللی فمینیستی از این جریان به دلیل این که امکان دستیابی زنان به وسایل جلوگیری از حاملگی را فراهم می ساخت، حمایت کرد و آن را یک دستاورد برای زنان ارزیابی کرد. بر اساس نوشته ها و طبق ارائه اطلاعات رسمی باید به زنان امکان داده می شد که وسایل جلوگیری از حاملگی را بشناسند و خود انتخاب کنند، که شامل مصرف قرص، کارگذاری آی یو دی و عقیم سازی بود. اما در عمل مساله آشنایی و انتخاب نبود و تنها گزینه ی عقیم سازی اجباری کارکرد داشت. بعضی زنان بدون اطلاع بعد از زایمان اولین بچه عقیم شدند. بعضی های دیگر زمانی که کودکان خود را برای واکسن های لازم به مراکز خانواده می بردند به زور مورد عمل عقیم سازی قرار گرفتند. هیچ مراقبتی انجام نمی شد و دارویی داده نمی شد و بلافاصله بعد از عمل آن ها را روانه خانه می کردند. بعضی از این زنان می بایست ساعت ها راه می رفتند تا به دهکده ی محل زندگی خود برسند. بعضی از زنان را که مقاومت می کردند و مایل به این کار نبودند به تخت می بستند تا عمل را به انجام برسانند. اکنون با وجودی که بیست سال از مساله می گذرد، زنان از پی گیری مساله ناامید نشده اند و در باره اش حرف می زنند. آن ها می گویند که در زمان

فوجی موری می ترسیدیم چون که خشونت سیاسی حاکم بود. یک دلیل دیگر ماچوئیسم بود. ما خجالت می کشیدیم از این مساله حرف بزنیم، زیرا مردان به خاطر این که ما نمی توانستیم دیگر بچه دار شویم. ما را ماچوراس یعنی غیر بارور یا لذب و یا مرد زن می خواندند. ما را به تعبیر خودشان فاحشه می دیدند و می گفتند یک زن عقیم شده، با مردان بسیاری به بستر می رود. بعضی از این زنان به دلیل این القاب طلاق داده شدند. عفو فوجی مورو زنان را به اجرای عدالت توسط دولت ناامید کرد. این زنان نه تنها جسما به طور غیر انسانی و اجباری مورد عمل عقیم سازی قرار گرفتند، روحا آسیب بیش تری دیدند. این جنایت علیه زنان بود و نمی شود آن را به برنامه کنترل موالید منتسب کرد؛ به ویژه این که بیش تر زنان بومی و فقیر را مد نظر داشت یعنی به بیانی طرحی نژاد پرستانه و طبقاتی بود. اصولا اجرای عدالت در جامعه ای که اساس اش بر تبعیض و استثمار و بی عدالتی است امکان پذیر نیست فرقی نمی کند که رفرمیست های چپ در قدرت دولتی باشند و یا نیروی های راست رفرمیست یا رادیکال. تصمیم در مورد آن ها که به جنایت علیه بشریت دست یازیده اند، با رئیس جمهور یا رهبر یا هر مقام موجود دیگر نیست، بلکه با توده هایی است که مورد جنایت قرار گرفته اند یا خانواده های آن ها و کل جامعه و جامعه انسانی. معافیت از مجازات باید از بین برود. جنایت نباید بخشوده شود و نباید فرموش شود.

فریده ثابتی - ژوئن ۲۰۱۸